

Analyzing the Model of Educators' Ethics and Conduct in the Qur'an

Mehri Sadeqian*

Mohammad Hossein Heydari**

Reza-Ali Nowroozi***

Abstract

This study aimed at analyzing the model of educators' ethics and conduct in the Qur'an. To do so, those verses of the Qur'an in which there was an educational situation were analyzed; at the same time, to understand the concepts of the Qur'an and their context more correctly, the interpretations of Al-Mizān and Fī Dīlāl al-Qur'ān were also referred to. In the present study, through the method of the theme analysis, first, 20 main themes of educators' ethics and conduct related to the three process-oriented principles of learner's moral development, i.e. 'cognitive, dispositional, and will and action' were extracted. In the next step, the main obtained themes were categorized in the form of three organizing themes and one overarching theme; and finally, the network of themes and their pattern were compiled. The findings of the study show that the cognitive inferred themes in the components of 'clear and unambiguous words for learner's enlightenment' and 'explanation of true ends', the dispositional inferred themes in the components of 'explaining educators' non-worldly goals and aspirations', 'identification of the educator with the learner', and 'gentle invitation from the educator', and the inferred themes of will and action in the components of 'the educator's initiative in action' and 'avoidance of coercion and contentment with reminding' have the highest frequency; therefore, they are considered the most important components.

Keywords: educator, ethics and conduct, principles of ethical action, learner.

* PhD Student in University of Isfahan, Isfahan, Iran, mm.sadeghiyan@yahoo.com.

** Corresponding Author: Associate Professor, University of Isfahan, Isfahan, Iran, mh.heidari@edu.ui.ac.ir.

*** Associate Professor, University of Isfahan, Isfahan, Iran, r.norouzi@edu.ui.ac.ir.

واکاوی الگوی اخلاق و سلوک مربی در قرآن

مهتری صادقیان*

محمدحسین حیدری**

رضاعلی نوروزی***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، واکاوی الگوی اخلاق و سلوک مربی در قرآن بوده است. بدین منظور، آن دسته از آیات قرآن که در آن‌ها یک موقعیت تربیتی وجود داشت، مورد واکاوی قرار گرفت؛ ضمناً برای درک صحیح‌تر مفاهیم قرآنی و سیاق آن‌ها، به تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن نیز رجوع شد. در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، ابتدا ۲۰ مضمون اصلی اخلاق و سلوک مربی مرتبط با مبادی سه‌گانه فرایندمحور رشد اخلاقی فراگیر یعنی «شناختی، گرایشی، اراده و عمل» استخراج شد. در گام بعدی، مضمون‌های اصلی به دست آمده در قالب سه مضمون سازمان دهنده و یک مضمون فراگیر دسته‌بندی گردید و در نهایت، شبکه مضامین و الگوی آن‌ها تدوین شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مضمون‌های استخراج شده محور شناختی در مؤلفه‌های «کلام روشن و ابهام‌زدا برای روشن‌گری فراگیر» و «تبیین غایت‌های حقیقی»، محور گرایشی در مؤلفه‌های «تبیین مقاصد و مطامع غیردنیوی مربی»، «همسانی مربی با فراگیر» و «دعوت توأم با رأفت از جانب مربی» و محور اراده و عمل در مؤلفه‌های «پیش‌قدمی مربی در عمل» و «اجتناب از اجبار و اکفای به تذکر» دارای بیشترین فراوانی بودند و لذا در شمار مهم‌ترین مؤلفه‌ها محسوب می‌شوند. **واژگان کلیدی:** مربی، اخلاق و سلوک، مبادی عمل اخلاقی، فراگیر.

مقدمه

برخی بر این باورند که امروزه با همه پیشرفت‌هایی که در زمینه علم و فناوری صورت گرفته، تغییر محسوسی در تکامل اخلاقی و ارزشی انسان‌ها رخ نداده است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۹۴)؛ اما پرسش اینجاست که با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در عرصه‌های مختلف، چرا وضعیت اخلاقی بشر چندان رضایت‌بخش نیست؟ آیا نظام‌های تربیتی، در انطباق با شرایط جدید و حتی در انجام وظایف ذاتی خود در حوزه تربیت اخلاقی، دچار غفلت یا کوتاهی شده‌اند؟ نوشتار حاضر در پی ارائه پاسخی جامع و کامل برای پرسش ذکر شده نیست؛ چون برخی شرایط جدید و بعضاً پیچیده عصر حاضر که بر شرایط اخلاقی جوامع اثرگذار هستند، باید در محافل تخصصی و با نگاه میان‌رشته‌ای بررسی گردد؛ اما تأکید این نوشتار بر آن است که نظام‌های تربیتی، فارغ از انطباق با شرایط جدید، در انجام وظایف ذاتی خود در حوزه اخلاق و تربیت اخلاقی نیز، دچار ضعف‌هایی هستند؛ البته منظور از نظام تربیتی، الزاماً نظام آموزش رسمی نیست و با نظرگاهی جامع‌تر، باید عوامل و مراجع متعددی را در تربیت اخلاقی نسل جدید دخیل دانست. از جمله این عوامل، می‌توان به والدین (خانواده)، معلم و برنامه درسی (مدرسه)، نهادهای مذهبی و تبلیغی، رسانه‌ها و حکومت اشاره نمود.

اما از بین این مراجع متعدد، این مقاله بنا دارد بر «مربی» به مثابه یکی از عوامل تأثیرگذار در تربیت و رشد اخلاقی انسان تمرکز نماید. مربی در لغت، به معنای تربیت‌کننده، پرورش‌دهنده یا پرورنده است (عمید، ۱۳۷۵) و در اصطلاح تخصصی‌تر، کسی است که استعداد‌های درونی و فطری فراگیر را شکوفا می‌سازد و زمینه را برای او فراهم می‌آورد تا کمالات بالقوه خویش را به فعلیت برساند (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۱۳). مربی - در معنای گسترده آن - می‌تواند یک والد، یک معلم، یک مبلغ یا حتی یک مجری برنامه تلویزیونی یا فعالی در حوزه رسانه را شامل شود. شاید بتوان ادعا کرد که یک مربی خودساخته و الهام‌بخش، می‌تواند در تربیت اخلاقی معجزه کند و کم‌کاری‌های دیگر عوامل دخیل در تربیت را تا حدی جبران نماید. مربی مانند راهنما در بیابان است که اگر فراگیر راه صواب بجوید، او را می‌ستاید و به مقصد مطلوب مژده‌اش می‌دهد و اگر به راه انحرافی برود، از تباه شدن بر حذرش می‌دارد. برای ایفای چنین نقشی، مربی باید آراسته به اخلاق و سلوکی حسنه باشد که بتواند وظیفه سنگین تربیت نفوس انسان‌ها را به سرانجام برساند. اخلاق و سلوک مربی، از حساسیت و ظرافت ویژه‌ای برخوردار است که با شناسایی و به‌کارگیری شایسته آن، زمینه تربیت انسان‌های تعالی‌گرا و کوشا فراهم می‌گردد.

با التفات به این مقدمه، چند پرسش بنیادی مطرح می‌گردد: الگوی اخلاقی مربی، مقوله‌ای

«وضع کردنی» است یا با واکاوی و بازشناسی از متون یا سلوک عملی افراد خاص، قابل تدوین است؟ معتبرترین منبع برای استنباط یا واکاوی الگوی اخلاقی مربی، کدام است؟ و نهایتاً، مناسب‌ترین الگو، برای اخلاق و سلوک مربی چیست؟

در سال‌های اخیر برای واکاوی، شناخت و صورت‌بندی اخلاق و سلوک مربی، پژوهش‌های متنوعی از منابع مختلف صورت گرفته است. نگاهی گذرا به پیشینه این موضوع، نشان می‌دهد که تحقیقات انجام‌شده در حوزه اخلاق و منش مربی، «آب‌سخور»های مختلفی داشته است. برخی به مکاتب و نحله‌های فلسفی و دیدگاه‌های اندیشمندان و فیلسوفان رجوع کرده‌اند و برخی دیگر، به سراغ مربیان و مصلحان اجتماعی معروف رفته‌اند تا الگوی مطلوب منش یک مربی را بازشناسی نمایند.

پژوهش‌های معطوف به اخلاق معلم و مربی در کشور ما، به‌ویژه در سال‌های اخیر، مستخرج از منابع اسلامی و مشخصاً از دیدگاه قرآن و روایات (به‌صورت تلفیقی) انجام شده که تک‌تک آنها مفید و درجای خود ارزشمند هستند؛ ولی تاکنون به‌صورت اختصاصی و روشمند، الگویی از اخلاق و سلوک مربی با تمرکز بر «موقعیت‌های تربیتی»^۱ موجود در قرآن و با التفات به رابطه‌ای دوسویه بین مربی و فراگیر انجام نشده است. ادعای این نوشتار آن است که التفات یک‌جانبه به الگوی اخلاق مربی، نمی‌تواند مشکل‌گشا باشد. برای حل این مشکل، باید طراحی و تبیین الگوی اخلاق و سلوک مربی، معطوف به «فراگیر» نیز باشد.

البته در مورد تربیت اخلاقی معطوف به فراگیر، مربی باید هوشیار باشد که در دام «نگاه تک‌ساحتی» یعنی تمرکز بر وجوه خاصی از شخصیت فراگیر نیفتد. در برخی رویکردهای تربیتی، صرفاً جنبه شناختی و عقلی آدمی مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ برخی دیگر، تحول بعد عاطفی انسان را اصل دانسته‌اند و برخی دیگر بر تمرین عملی و مهارت‌آموزی و برخی بر تقویت اراده تأکید داشته‌اند. به نظر می‌رسد نگاه تک‌بعدی به آدمی و رشد اخلاقی او، به‌نوبه خود به ارائه الگوهای تربیتی تک‌بعدی و ناقص می‌انجامد و ناکارآمدی تربیت اخلاقی را به همراه دارد؛ لذا در جهت رشد اخلاقی متوازن در فراگیر، طراحی الگوی اخلاق و سلوک مربی با نگاه جامع و همه‌جانبه به فراگیر ضرورت می‌یابد.

نمونه‌هایی از این نگاه همه‌جانبه را در دیدگاه برخی اندیشمندان مسلمان می‌توان یافت؛ مثلاً در

۱. منظور از «موقعیت تربیتی» وجود هم‌زمان یک فرد پرورش‌کار (هدایت‌گر) در مقام مربی، مخاطب یا مخاطبین در مقام فراگیر و یک پیام یا دستورالعمل تربیتی است. برای نمونه، در آیه «قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» (کهف/ ۶۷) حضرت خضر در مقام مربی، حضرت موسی در مقام فراگیر (متربی) و توجه به وسع و طاقت متربی به‌مثابه پیام تربیتی، جمعاً یک موقعیت تربیتی را ایجاد کرده‌اند.

نظریه اعتبارات علامه طباطبایی،^۱ امیال و عواطف انسان، نقش خود را در کنار شناخت‌های حقیقی در ایجاد شناخت‌های اعتباری ایفا می‌کنند و سرانجام این شناخت‌های اعتباری هستند که به‌عنوان علت تامه تحریک اراده، عمل اخلاقی را شکل می‌دهند (حقی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۸۷)؛ در جای دیگر، تربیت اخلاقی نوعی دگرگونی تعریف‌شده که عرصه‌های شناختی و گرایشی و ارادی فرد را دربر می‌گیرد که عامل نهایی تحقق عمل اخلاقی، اراده‌ای است که فرد در حالت برخورداری از اختیار و با خودآگاهی بر انجام عمل دارد و همین اراده، منجر به تکوین کامل مبادی زیرساز و درنهایت تحقق عمل می‌شود (خسروی و باقری، ۱۳۸۷)؛ پس می‌توان گفت که عمل تربیتی در رویکرد اسلامی به‌طور عام و در تربیت اخلاقی به‌طور خاص، بر مبادی^۲ سه‌گانه «شناخت»، «گرایش» و «اراده و عمل» مبتنی است. با نگاه توأمان به مبادی سه‌گانه عمل اخلاقی، شاکله یا شخصیت اخلاقی پایداری در فرد شکل می‌گیرد که همواره در رفتارهای متفاوت اخلاقی وی تأثیرگذار خواهد بود. از این رو پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون، به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان به الگویی از اخلاق و سلوک مربی در قرآن با نظر به مبادی سه‌گانه عمل اخلاقی فراگیر («شناخت»، «گرایش»، «اراده و عمل») دست یافت؟

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر در زمینه اخلاق مربی تحقیقاتی در داخل و خارج کشور انجام شده است که به برخی از موارد مرتبط با موضوع این پژوهش اشاره می‌شود:

- پور عمران، حق‌به‌جانب، فیروزه و قلی زاده (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «اخلاق مربی در تعلیم و تربیت اسلامی» با نگاه اجمالی به قرآن، احادیث، برخی کتاب‌ها و مقالات مرتبط با این موضوع، خصوصیات بعضی از برگزیدگان تعلیم و تربیت را مورد بررسی قرار دادند و به این نکته رسیدند که با الگو قرار دادن پیامبر اسلام و ویژگی خاص آن حضرت و تبعیت مربیان از شیوه ایشان، می‌توان به‌غایت و نگرش مطلوبی در اخلاق و تعلیم و تربیت رسید.

- عباسی، قشلاقی و اسماعیل‌پور (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مربیان از منظر قرآن و روایات» قصد داشتند، نشان دهند که رفتار و اخلاق مربی، در

۱. علامه طباطبایی در توضیح این نظریه می‌افزاید: «باید اذعان نمود به اینکه ممکن است انسان یا هر موجود زنده دیگر (به‌اندازه شعور غریزی خود) در اثر احساسات درونی خویش که مولود یک سلسله احتیاجات وجودی مربوط به ساختمان ویژه‌اش می‌باشد یک‌رشته ادراکات و افکاری بسازد که بستگی خاص به احساسات مزبور داشته و به‌عنوان نتیجه و غایت، احتیاجات نامبرده را رفع نماید و با بقا، زوال و تبدل عوامل احساسی و یا نتایج مطلوب، زایل و متبدل شود» (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۱ و ۱۷۲).

۲. در این مقاله مراد از مبادی؛ اصول، مقدمات یا اساس‌ها است (فرهنگ عمید، ۱۳۷۵).

ساختار شخصیت اخلاقی فراگیران هم تأثیر منفی دارد هم تأثیر مثبت. بر همین اساس، مربیان باید بکوشند در رفتار و اخلاق خود، سعادت فراگیران را در نظر بگیرند که این امر، تا حد زیادی به باورها و یافته‌ها و روحیات و اعتقادات و سیمای عملی مربی وابسته است. از این رو دین اسلام به مربیان یادآور می‌شود که در کنار علم و تجربه، به تهذیب و تزکیه نیز مبادرت ورزند.

- جعفری و طرقي (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «وظایف مربی تربیت اسلامی از منظر فقه اهل بیت» در پی شناسایی آیات و روایات تربیتی از دل قرآن و کتب روایی و استخراج الزام فقهی از آنان بودند. در این راستا ابتدا با ذکر مفاهیم و معنای واژگان مربی و تربیت، تحقیق را آغاز کردند؛ بعد سعی نمودند در ساحت‌های مختلف عقلانی و اعتقادی، عبادی، معنوی، اخلاقی، خانوادگی، سیاسی و جسمانی مربوط به حیات انسان، تکلیف مربی را مشخص نمایند.

- شهریاری و نجفی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان تربیت دینی: ارائه چارچوبی همسو با حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه» با مدنظر قرار دادن حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه، صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی تربیت دینی را در دو طیف علمی و عملی شناسایی کردند که طیف علمی، صلاحیت‌هایی چون «اخذ، انتقال و مراقبت» بوده و طیف عملی، صلاحیت‌هایی مانند «استیکال، استکبار، عدم ژرف‌اندیشی، لذت‌گرایی، ثروت‌اندوزی» و ثبوتی «خداگرایی، معرفت یقینی، صبر و استقامت و شهامت» را در بر می‌گیرد.

- مورای^۱ و همکاران (۱۹۹۶) ویژگی‌هایی را برای معلمان در قالب اصول اخلاقی تدریس در دانشگاه مورد توجه قرار داده‌اند که این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: تسلط داشتن بر موضوع درسی، تسلط داشتن بر مهارت‌های تربیتی و آموزشی، برخورد سنجیده با موضوع‌های مناقشه‌برانگیز، کمک به رشد و پیشرفت دانشجویان، برقراری ارتباط با دانشجویان در راستای اهداف تربیتی و مقتضیات آموزشی، رازداری، احترام متقابل بین همکاران، ارزشیابی منصفانه از فعالیت دانشجویان، احترام به اهداف، سیاست‌ها و قوانین دانشگاه یا محل کار.

- کمبل^۲ (۲۰۰۰) نیز در تحقیق خود با عنوان اخلاق معلم مواردی مانند انصاف، احترام گذاشتن به دیگران، مسئولیت‌شناسی، پاسخگویی و شجاع بودن را برای اخلاق معلمی لازم می‌داند.

1. Murray

2. Campbell

روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به اهداف ذکرشده، از روش تحلیل مضمون^۱ استفاده شده است. در این راستا تلاش شده است که مضامین اصلی و مهم، با دقت مشخص، بررسی، ثبت، طبقه‌بندی و تفسیر گردند؛ به گونه‌ای که درنهایت، یکی از چند الگوی محرز یا معنی‌دار به‌دست‌آید و گزارش شود؛ چراکه ساده‌ترین شکل تحلیل مضمون، یک راهبرد طبقه‌بندی برای داده‌های کیفی است که طی آن داده‌ها؛ مرور، تنظیم، کدگذاری و طبقه‌بندی شده و آنگاه مضامین‌ها که همان نظام الگویی داده‌ای هستند، شناسایی، پالایش، نام‌گذاری و گزارش می‌شوند (میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۴۳).

در این روش، از شبکه مضامین به‌عنوان ابزار تجزیه و تحلیل استفاده گردیده است. این شبکه، بر اساس روندی مشخص، مضامین اصلی، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین اصلی) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. شبکه‌های مضامین به‌صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شوند تا تصور وجود هرگونه سلسله‌مراتب در میان آنها از بین رفته، باعث شناوری مضامین شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تأکید شود. این شبکه‌ها کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از معانی متون رسید و بتوان مضامین به‌دست‌آمده را تشریح کرد و الگوهای آنها را شناخت (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰).

فرایند گام‌به‌گام این روش، دارای ۵ مرحله است. این پژوهش در راستای رسیدن به پاسخ سؤال «چگونه می‌توان به الگویی از اخلاق و سلوک مربی در قرآن با نظر به مبادی سه‌گانه فرایندمحور عمل اخلاقی فراگیر دست‌یافت؟» مراحل ۵ گانه زیر را طی نموده است که عبارت‌اند از:

۱. در این تحقیق به متن قرآن کریم مراجعه شد و از آیات مرتبط با اخلاق مربی در قرآن با نظر به مبادی سه‌گانه عمل اخلاقی فراگیر یادداشت‌برداری شد که برای درک کامل‌تر مفاهیم و سیاق آیات و پرهیز از اشتباه در استنباط حاصل‌شده، از تفسیر المیزان و فی ظلال کمک گرفته شد. در مورد علت انتخاب تفسیر المیزان، سه علت عمده را می‌توان ذکر کرد: خلوص، جامعیت (محتوا و منابع) و ابتکار (طاهری، ۱۳۹۲)؛ علاوه بر این‌ها، برخی، توجه علامه طباطبائی در تفسیر خود به شبهات و اشکالات مطرح‌شده در دوران اخیر و تلاش برای انطباق دین با تحولات زمان را از امتیازات این تفسیر دانسته‌اند (ایادی، ۱۳۸۱، ص ۷۷). در مورد تفسیر «فی ظلال القرآن» نیز باید گفت که این تفسیر در میان تفاسیر قرآن کریم، دارای رویکردی سیاسی، اجتماعی، حرکتی و تربیتی است که

1. Thematic analysis

مؤلف آن، یکی از پیشوایان و اندیشه‌وران اصیل حرکت اسلامی معاصر است؛ بنابراین تکرار مکررات فراوانی که در سایر تفاسیر ملاحظه می‌گردد، در این تفسیر جایی ندارد و در بسیاری از موارد، مباحثی بکر و بدیع عرضه شده است (حسینی میر صفی، ۱۳۸۵، ص ۹۲ و ۹۶).

۲. با التفات به کدهای دسته‌بندی شده از آیات مدنظر، مضامینی استخراج شد و چندین بار مورد بازبینی قرار گرفت که قالب مضامین با اهداف تحقیق تطبیق داشته باشد.

۳. مضامین استخراج شده در سه دسته «اصلی، سازمان دهنده و فراگیر» دسته‌بندی گردید و شبکه مضامین ترسیم شد.

۴. شبکه مضامین، مورد تحلیل قرار گرفت.

۵. نتایج به دست آمده از تحلیل شبکه مضامین، مجدداً با سؤال تحقیق حاضر ارتباط داده و گزارش آن تدوین شد.

یافته‌های تحقیق

در این بخش از تحقیق، بعد از غور در آیات مرتبط با اخلاق و سلوک مربی، ۲۰ مضمون اصلی در جدول شماره ۱ ارائه گردید. در جدول شماره ۲، نمونه‌هایی از مضامین، با ذکر آیه مربوطه در قرآن کریم آورده شده است.

جدول ۱: مضامین اصلی واکاوی الگوی اخلاق و سلوک مربی در قرآن

ردیف	آیات قرآن کریم	مضمون های اصلی استخراج شده
۱	قصص/ ۵۹	گزینش مکان مناسب جهت دانش‌افزایی حداکثری فراگیر
۲	یوسف/ ۱۰۸، فصلت/ ۳۳، نحل/ ۱۲۵	تبیین غایت‌های حقیقی
۳	مریم/ ۴۳	تعهد مربی به ایجاد شناخت در فراگیر
۴	کهف/ ۶۷، ذاریات/ ۵۲-۵۵	توجه به میزان طاقت فراگیر
۵	نوح/ ۸-۹	رعایت مراتب اطلاع‌رسانی فراگیران
۶	ابراهیم/ ۱۰	عنایت به فطرت فراگیران
۷	انعام/ ۱۰۴، صف/ ۶، کهف/ ۷۰، طلاق/ ۱۱ مریم/ ۹۷، طه/ ۲۷-۲۸	کلام روشن و ابهام‌زدا برای روشنگری فراگیر
۸	جمعه/ ۲، انبیا/ ۷، بقره/ ۱۵۱، کهف/ ۱۱۰	رعایت همسانی مربی با فراگیر
۹	ابراهیم/ ۴، شوری/ ۱۵	توجه به اشتراکات زبانی مربی و فراگیر
۱۰	اعراف/ ۶۸، صف/ ۶، سبأ/ ۴۷ شعرا/ ۱۶۲-۱۶۴، فرق/ ۵۷	تبیین مقاصد و مطامع غیردنیوی مربی
۱۱	آل عمران/ ۱۵۹، فصلت/ ۳۴، یوسف/ ۹۱-۹۲	عفو بدی‌ها و جبران با نیکی‌ها

دعوت توأم با رأفت از جانب مربی	توبه/۱۲۸، شعرا/۲۱۵، آل عمران/۱۵۹ طه/۴۴	۱۲
بهره‌گیری سازنده مربی از مزده و بیم	احزاب/۴۷، مدثر/۱-۲، کهف/۵۶	۱۳
اجتناب از منت‌گذاری	مدثر/۶	۱۴
پیش‌قدمی مربی در عمل	احزاب/۲۱، بقره/۲۸۵، زمر/۱۴ فصلت/۳۳، کهف/۶۵، هود/۸۸ مدثر/۴-۵، نجم/۲-۳	۱۵
پایبندی مربی به اصل مداومت و تکرار در تربیت	نوح/۵	۱۶
بهره‌گیری از استدلال کارساز	مریم/۴۳-۴۴، نحل/۱۲۵	۱۷
اجتناب از اجبار و اکتفا به تذکر	طه/۲-۳، فرقان/۵۷، انعام/۱۰۴ مائده/۳۲، یس/۱۶-۱۷، شوری/۴۸	۱۸
نظارت و ارزیابی	بقره/۱۴۳	۱۹
رهاسازی فراگیر به‌مثابه راهبردی تربیتی	توبه/۱۰۳، حجر/۳، زمر/۱۵، انعام/۹۱	۲۰

جدول ۲: نمونه‌هایی از مصادیق قرآنی مضامین اصلی در واکاوی اخلاق و سلوک مربی در قرآن

ردیف	مضمون اصلی	مصادیق قرآنی
۱	گزینش مکان مناسب جهت دانش‌افزایی حداکثری فراگیر	«وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَّهَاتِنَا رُسُلًا يَأْتُوا عَلَيْهِم بِآيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ» (قصص/۵۹) که در این آیه، کلمه «ام‌القری» به معنای مرکز دهات و آن شهرستانی است که همه دهات بدان جا مراجعه می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۸۸) و حکمت و فلسفه فرستادن پیغمبر ﷺ در ام‌القری - یعنی بزرگ‌ترین شهر یا پایتخت آنجا -، این است که مرکزی برای رسالت شود و از آنجا رسالت به اطراف برسد و تبلیغ گردد و حجت و برهانی و عذر و بهانه‌ای برای کسی در آنجاها نماند (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۱۱۱۳).
۲	تبیین غایت‌های حقیقی	«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یوسف/۱۰۸) که در این آیه، پیامبر اکرم ﷺ اشاره می‌کند که من (مردمان را) با آگاهی و بینش به سوی خدا می‌خوانم (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۵۷). این دعوت به سوی خدا، دعوتی نیست که بهر طوری شد، صورت گیرد؛ بلکه دعوتی است که بر اساس توحید خالص صورت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۱، ص ۳۷۸).
۳	تعهد مربی به ایجاد شناخت در فراگیر	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّي جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا يَأْتِيكَ فَاتَّبِعْنِي أَلْهَدِكُمْ صِرَاطًا سَوِيًّا» (مریم/۴۳) که حضرت ابراهیم (علیه السلام) به او (عمویش) توجه داد که من علمی به این مسئله دارم که تو نداری و تو باید، مرا پیروی کنی تا به راه هموار مستقیم هدایتت کنم (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۴، ص ۷۵) و در جای دیگر نقل کرده است ای پدر (عمو)! دانشی (از طریق وحی الهی) نصیب من شده است که بهره تو نگشته است؛ بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راه راست رهنمود کنم (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۴۹۳).
۴	توجه به میزان طاقت فراگیر	«قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» (کهف/۶۷) که خضر (علیه السلام) به موسی (علیه السلام) گفته تو هرگز توان شکیبایی با من را نداری (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۴۴۸) که در این جمله خوبستن‌داری و صبر موسی را در برابر آنچه از او می‌بیند با تأکید نفی کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۳، ص ۴۷۴).

ردیف	مضمون اصلی	مصادیق قرآنی
۵	رعایت مراتب اطلاع رسانی فراگیران	«ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا» (نوح/ ۸-۹) که حضرت نوح <small>علیه السلام</small> در جمله «ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا» کلمه «ثم - سپس»، بعدیت و تأخیر را می‌رساند و در اینجا بعدیت و تأخیر مرتبه‌ای را می‌رساند، البته مرتبه از نظر کلام و معنایش این است که اول به‌آرامی و بعداً به بانگ بلند (جهارا) دعوتشان کردم و در جمله «ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا» اعلان و اسرار دو واژه مقابل هم‌اند، اولی به معنای اظهار و دومی به معنای اخفا است و ظاهر سیاق این است که مرجع ضمیر «لهم»، در هر دو جا یکی است؛ در نتیجه معنای آیه این است که من آنان را، هم سری دعوت کردم و هم علنی، یک‌بار علنی و بار دیگر سری، تا در دعوتهم همه راه‌هایی را که ممکن است مؤثر باشد، رفته باشم (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۴). حضرت نوح <small>علیه السلام</small> هرگونه شیوه‌ای را در کار دعوت به کار می‌برد. گاهی دعوت را آشکارا در میان می‌گذارد و اعلان می‌دارد و گاهی میان اعلان کردن و پنهان کردن را در پیش می‌گیرد و وظیفه خود را به انجام می‌رساند (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۶، ص ۵۴۵).
۶	عنایت به فطرت فراگیران	«قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَلِيَّ اللَّهُ شُكُّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (ابراهیم/ ۱۰) که در این آیه، پیغمبرانشان بدیشان گفتند که مگر درباره وجود خدا، آفریننده آسمان‌ها و زمین، بدون الگو و نمونه پیشین، شک و تردیدی در میان است؟ (مگر عقل شما، کتاب‌باز هستی را نمی‌نگرد و به مؤلف آن راه نمی‌برد؟) درحالی‌که آسمان‌ها و زمین، با فطرت به سخن درمی‌آیند و بدو می‌گویند که خدا آسمان‌ها و زمین را، از نیستی به هستی درآورده است و آنها را، به زیور وجود آراسته است و سروسامانشان بخشیده است (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۱۴۸).
۷	کلام روشن و ابهام‌زدا برای روشنگری فراگیر	«قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَىٰ هَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ» (انعام/ ۱۰۴) که در این آیه، برهان و احتجاج‌های روشنی که اقامه شده، مایه بصیرتی بود که از جانب خداوند، برای شما به‌سوی من (پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>) وحی شد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۱۶). این چیزی که از سوی یزدان برایتان آمده است، دلایل متقن و براهین روشن است. دلایل متقن و براهین روشن، راه یابند و رهنمود می‌گردانند (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۲، ص ۸۷۷).
۸	رعایت همسانی مربی یا فراگیر	«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه / ۲) که در این آیه، اشاره دارد به اینکه پیغمبری <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> را از خودشان به میانشان روانه نماید و با گزینش او، از ایشان به مقام و منزلت بالا و والایی برسند و این پیغمبر، آنان را از امی بودن و بی‌سواد بودن یا از اممی بودن و ملت‌های دیگر بودن، با تلاوت و قرائت آیات خدا برایشان و با تغییر دادن آنچه در آن‌اند و بدان گرفتارند و با ممتاز گرداندنشان بر جهانیان بیرون بیاورد (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۶، ص ۳۱۷). در جای دیگر هم «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ»، اشاره دارد به اینکه، او کسی است که در میان مردمی بی‌سواد، رسولی از جنس خود آنان و برای همه آنان مبعوث کرد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۹، ص ۴۴۵).

ردیف	مضمون اصلی	مصادیق قرآنی
۹	توجه به اشتراکات زبانی مربی و فراگیر	«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (ابراهیم/۴) که در این آیه، مقصود از ارسال رسل به زبان قوم خود، این است که رسولانی فرستاده‌ایم؛ هر یک از اهل همان زبانی بوده که مأمور به ارشاد اهل آن شده‌اند، حال چه اینکه خودش، از اهل همان محل و از نژاد همان مردم باشد و یا آنکه مانند لوط، از اهالی سرزمین دیگر باشد، ولی با زبان قومش با ایشان سخن بگوید (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۱۹). این نعمت، نعمتی است که در هر رسالتی، مردمان را در برمی‌گیرد تا برای پیغمبر ممکن گردد، مردمان را از گمراهی‌ها و تاریکی‌ها نجات دهد و به‌سوی نور با اجازه و توفیق خدا بکشاند، چاره‌ای از این نبوده است که آن پیغمبر را به زبان قوم خود روانه کند تا برای ایشان، مطالب و مقاصد رسالت را بیان دارد و روشن کند و آنان هم، سخن او را درک و فهم کنند و هدف رسالت، به تمام و کمال انجام بگیرد و پیاده گردد (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۱۴۲).
۱۰	تبیین مقاصد و مطامع غیردنیوی مربی	«إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا وَأَسْأَلْكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء/۱۶۲-۱۶۴) که جمله «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» در سیاق این است که بفهماند من (حضرت لوط <small>علیه السلام</small>)، به مزد دنیوی طمع ندارم؛ ولی به این عبارت فرموده که از شما، مزدی درخواست نمی‌کنم و با این تعبیر فهمانده که به‌جز خیرخواهی منظوری ندارد و آنچه، ایشان را بدان دعوت می‌کند، به خیر خود ایشان است و در آن خیانت و نیرنگی هم نمی‌کند؛ خوب، وقتی چنین است، باید در آنچه امرشان می‌کند، اطاعتش کنند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۴۱۵): به عبارتی ایشان را اطمینان می‌بخشد به اینکه، چیزی از اموالشان را در مقابل رهنمون و راهنمایی نمی‌خواهد (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۹۷۱).
۱۱	عفو بدی‌ها و جبران با نیکی‌ها	«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت/۳۴) که در این آیه، خدا روی سخن را متوجه حضرت محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> کرد تا بهترین طریق، در دعوت به‌سوی خدا را برایش بیان کند. بدی را با خصلتی که مقابل آن است، دفع نما؛ مثلاً باطل آنان را، با حقی که نزد تو است، دفع کن، نه به باطلی دیگر و جهل آنان را، با حلم و بدی هایشان را، با عفو و همچنین هر بدی دیگرشان را، با خوبی مناسب آن دفع کن (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۵۹۴): لذا دعوت‌کننده به‌سوی یزدان را نرسد که بدی را، با بدی پاسخ بگوید. چه خوبی و نیکی، اثرش - همچنین ارج و ارزش آن - با بدی و پستی یکسان و برابر نیست. صبر و شکیبایی کردن و صرف‌نظر و گذشت نمودن و بزرگ‌منشی و بزرگواری و بالاخره چیره شدن بر میل و رغبتی که نفس به مقابله بدی با بدی و پاسخ شر با شر دارد، مردمان سرکش و گریزپا را به صلح و صفا می‌کشاند و به آرامش و اطمینان برمی‌گرداند (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۵، ص ۶۱۰).
۱۲	دعوت توأم با رأفت از جانب مربی	«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه/۱۲۸) که حضرت محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> در خیرخواهی و نجات شما، چه مؤمن و چه غیر مؤمن، حریص است و اینکه او، نسبت به‌خصوص مؤمنین، رئوف و رحیم است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۵۶۱). نسبت به مؤمنان، دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۳، ص ۶۷۴).

ردیف	مضمون اصلی	مصادیق قرآنی
۱۳	بهره‌گیری سازنده مربی از مزده و بیم	«وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَثِيرًا» (احزاب/۴۷) که در این آیه، گفته است (ای پیغمبر!) به مؤمنان مزده بده که ایشان از سوی خدا نعمت فراوانی (و برتری عظیمی در دنیا و آخرت) دارند؛ مؤمنانی که بر دست‌های این پیغمبر ﷺ، برایشان قوانین و مقررات وضع می‌کند، قوانین و مقرراتی که ایشان را، سرانجام به شادی و شادمانی و نعمت بزرگ و فضل سترگ می‌رساند (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۵، ص ۲۱۶ و ۲۱۷) که در این بشارت، از ثواب آن قدر می‌دهد که یک مقدارش در مقابل عمل قرار می‌گیرد و بیشترش در مقابل عملی قرار نمی‌گیرد و این همان فضل است و در آیه شریفه، هیچ دلیلی نیست بر اینکه دلالت کند که این اجر زیادی، مخصوص آخرت است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۴۹۴).
۱۴	اجتناب از منت‌گذاری	«وَلَا تَمُنُّنَّ تَسْكِينًا» (مدثر/۶) که پروردگارش از او (حضرت محمد ﷺ) می‌خواهد، هرچه را تقدیم می‌دارد و فدا می‌سازد و می‌بخشد و می‌کند و می‌بیند، بسیار بشمار نیاورد و بزرگش نداند و مهمش نشمارد و با آن منت نهد (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۶، ص ۶۱۲) که مراد از «منت‌گذاری» این است که شخص احسان گر، آن قدر احسان خود را به رخ احسان شده بکشد که نعمتش مکدر شود و از نظر وی بیفتد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲۰، ص ۱۲۷).
۱۵	پیش‌قدمی مربی در عمل	«وَتِيَابِكِ فَطَهِّرْ وَالرُّجْزَ فَاهْبِجْ» (مدثر/۴-۵) که در این آیه، شخص دعوتگر، نیاز به پاکی و پاکیزگی کامل دارد تا بتواند آلودگان را نجات بدهد، بدون اینکه خودش کثیف و آلوده گردد و تا بتواند ناپاکان را برهاند، بدون اینکه خودش ناپاک شود. شرط نفوذ کلام رهبر آسمانی، آن است که دامنش از هرگونه آلودگی پاک باشد. «وَتِيَابِكِ فَطَهِّرْ» و جامه خویش را، پاکیزه دارد (و خویشتن را، از آلودگی‌ها پاک گرداند) که پاکی جامه در زبان عربی، کنایه از پاکی دل و اخلاق و کار است؛ پاکی ذات انسان نیز مراد است و اما «وَالرُّجْزَ فَاهْبِجْ» یعنی از چیزهای کثیف و پلید دوری کند که در این راستا، پیغمبر ﷺ پیش از نبوت نیز از شرک و موجبات عذاب دوری گزیده بود. فطرت سالم او، از این انحراف و از توده‌های انبوه معتقدات پلشت و از اخلاق و عادات زشت، بیزار و برکنار بود (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۶، ص ۶۱۱ و ۶۱۲).
۱۶	پایبندی مربی به اصل مداومت و تکرار در تربیت	«قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا» (نوح/۵) که در این آیه، اشاره دارد به اینکه حضرت نوح علیهِ السلام خسته نمی‌گردد، سستی نمی‌شناسد، در برابر رویگردانی و پافشاری دیگران بر باطل، مأیوس و ناامید نمی‌شود (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۶، ص ۵۴۴)؛ به عبارتی، منظور از جمله «إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا»، این است که دائماً و به‌طور خستگی‌ناپذیر خواننده است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲۰، ص ۴۴).
۱۷	بهره‌گیری از استدلال کارساز	ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل/۱۲۵) که اشاره دارد به اینکه، بر تو (پیامبر)، تبلیغ رسالت الهی است با سخنان حکیمانه و مستدلانه و آگاهانه و به گونه بس زیبا و گیرا و پیدا و بر ما، هدایت و ضلالت و حساب و کتاب و سزا و جزا است (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۳۲۰)؛ چراکه خدای سبحان داناتر است به حال کسانی که از دین حق گمراه گشتند، همچنان که او داناتر است به حال راه‌یافتگان (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۵۳۵).

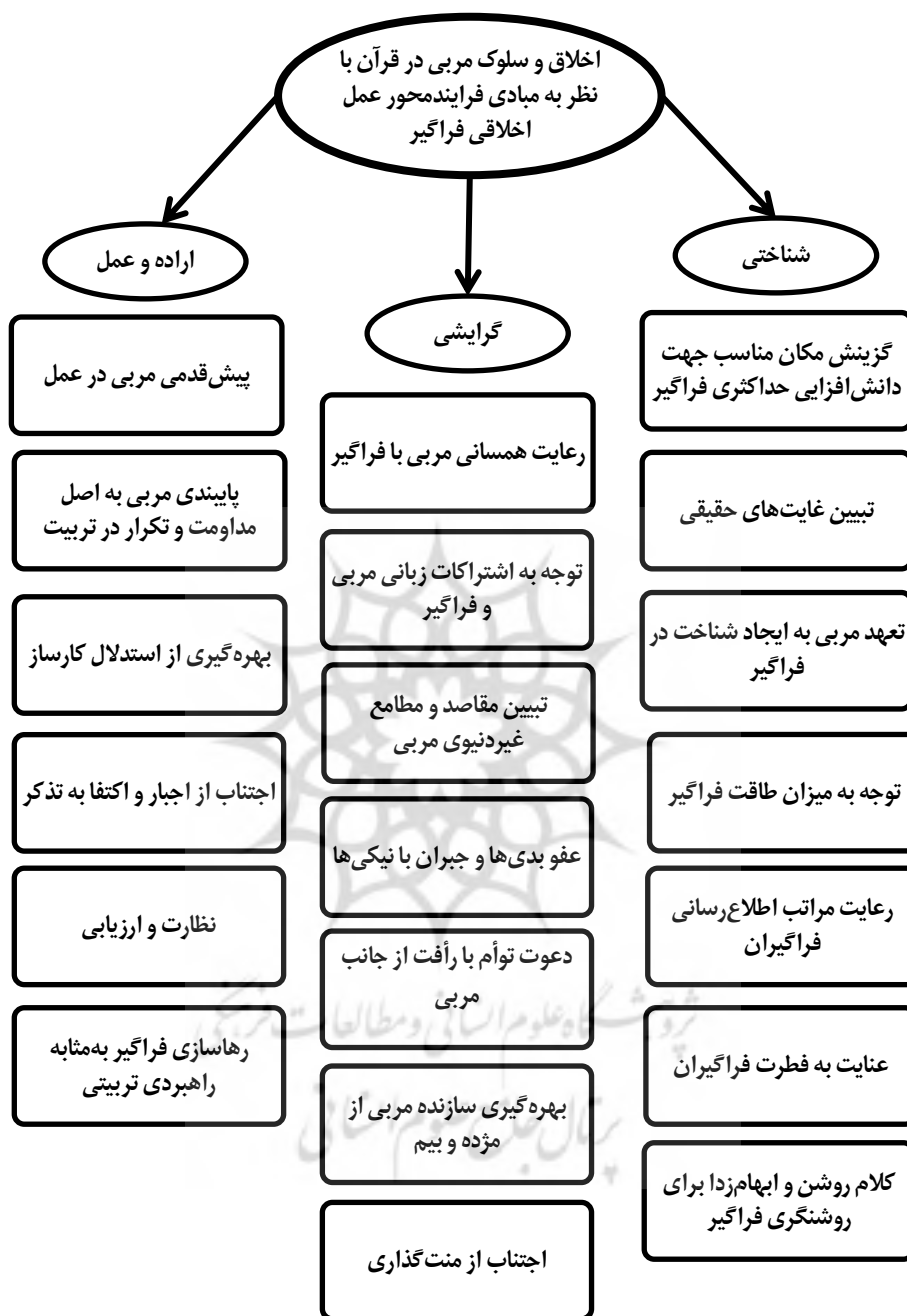
ردیف	مضمون اصلی	مصادیق قرآنی
۱۸	اجتناب از اجبار و اکتفا به تذکر	«مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْفِيَ إِلَّا تَذَكُّرًا لِمَنْ يَحْسَبُ» (طه/۲-۳) که در این آیه، خدا به پیامبر ﷺ فرموده است که تو، مأمور و موظف نیستی، ایشان را بر پذیرش ایمان وادار کنی و بر اثر حسرت خوردن‌ها و ناله سردادن‌های خود بر ایشان، رنجور و گرفتار شوی. این قرآن جز برای تذکر دادن و یادآوری کردن و بیم دادن و ترساندن نیست (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۵۱۶) که کلمه «تذکره»، به معنای ایجاد ذکر (یادآوری) در شخصی است که چیزی را فراموش کرده است. انسان، کلیات حقایق دین را به فطرت خود درمی‌یابد؛ چیزی که هست، انسان به خاطر اینکه به زندگی زمینی می‌چسبد و به دنبال اشتغال به خواسته‌های نفس از لذت و زخارف آن سرگرم می‌شود، دیگر در دل خود جایی خالی برای غرایز فطری خود نمی‌گذارد؛ در نتیجه آنچه را خدا، در فطرت او ودیعه گذاشته، فراموش می‌کند و اگر دوباره در قرآن این حقایق خاطرنشان می‌شود، برای یادآوری نفس است تا بعد از فراموشی دوباره به یادش آید (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۴، ص ۱۶۴).
۱۹	نظارت و ارزیابی	«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره/۱۴۳) که در این آیه، پیغمبر بر شما گواه باشد (تا چنان که دسته‌ای از شما، راه او گیرد و یا گروهی از شما، از جاده سیرت و شریعت او بیرون رود، با آئین و کردار خویش بر ایشان حجت و گواه باشد) پیغمبر برای چنین ملتی، میزان‌ها و ارزش‌ها معین می‌کند و درباره اعمال و عادات آنان، داوری می‌نماید و آنچه را از ایشان سر می‌زند، می‌سنجد و راجع بدان، سخن پایانی قاطعانه را صادر می‌نماید (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۹۹).
۲۰	رهاسازی فراگیر به‌مثابه راهبردی تربیتی	«وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ لِيَجْزِيَ قَرَاتِهِمْ تَبَدُّوْنَهَا وَخُفُّوْنَ كَثِيرًا وَعَلَّمْنُمْ مَا لَمْ نَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ» (انعام/۹۱) که خدا به پیامبر ﷺ گفته است که دیگر به جدال و لجاجت و ستیزه‌گری ایشان، اهمیت مده و ایشان را رها کن تا به یاوه‌سرایی و بیهوده‌گویی خویش فروروند و ناآگاهانه و ابلهانه، به شوخی و بازی خویشتن بپردازند (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۲ ص ۸۴۷)؛ چون گفتن اینکه «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ»، گفتاری لغو و بیهوده بود و نیز از آنجایی که صدور چنین حرفی از مردمی مانند یهود که اعتراف به تورات موسی ﷺ داشته و به علم و کتابی که او برایشان آورده بود، مباحثات می‌کردند، جز بازی کردن با حقایق معنای دیگری نداشت (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۳۷۶).

پس از استخراج ۲۰ مضمون اصلی از آیات قرآن کریم، این مضامین در ذیل مضامین کلی‌تر با عناوین سازمان‌دهنده و فراگیر قرار داده شد که در جدول شماره ۳ به همراه فراوانی آنها آمده است.

جدول ۳. مضامین اصلی، سازمان دهنده و فراگیر اخلاق و سلوک مربی در قرآن
با نظر به مبادی فرایندمحور عمل اخلاقی فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین اصلی	فراوانی
مضامین اخلاق و سلوک مربی با نظر به مبادی فرایندمحور عمل اخلاقی فراگیر	شناختی	گزینش مکان مناسب جهت دانش افزایی حداکثری فراگیر	۱
		تبیین غایت‌های حقیقی	۳
		تعهد مربی به ایجاد شناخت در فراگیر	۱
		توجه به میزان طاقت فراگیر	۲
		رعایت مراتب اطلاع‌رسانی فراگیران	۱
		عنایت به فطرت فراگیران	۱
		کلام روشن و ابهام‌زدا برای روشنگری فراگیر	۶
	گرایشی	رعایت همسانی مربی با فراگیر	۴
		توجه به اشتراکات زبانی مربی و فراگیر	۲
		تبیین مقاصد و مطامع غیردنیوی مربی	۵
		عفو بدی‌ها و جبران با نیکی‌ها	۳
		دعوت توأم با رأفت از جانب مربی	۴
		بهره‌گیری سازنده مربی از مزده و بیم	۳
		اجتناب از منت‌گذاری	۱
	اراده و عمل	پیش‌قدمی مربی در عمل	۸
		پایبندی مربی به اصل مداومت و تکرار در تربیت	۱
		بهره‌گیری از استدلال کارساز	۲
		اجتناب از اجبار و اکتفا به تذکر	۶
		نظارت و ارزیابی	۱
		رهاسازی فراگیر به‌منابه راهبردی تربیتی	۴

۲۰ مضمون اصلی استخراج شده مرتبط با اخلاق و سلوک تربیتی مربی در قرآن با نظر به مبادی سه‌گانه فرایندمحور عمل اخلاقی فراگیر، در سه مضمون سازمان دهنده شناختی، گرایشی، اراده و عمل دسته‌بندی شدند که سعی شده است مضامین اصلی هر دسته، بیشترین ارتباط را با عناوین مضامین سازمان دهنده داشته باشد که کار ساده‌ای نبود و ممکن است محل اختلاف نظر باشد. در مرحله آخر، این سه مضمون سازمان دهنده شناختی، گرایشی، اراده و عمل، در قالب مضمون فراگیر اخلاق و سلوک مربی در قرآن با نظر به مبادی فرایندمحور عمل اخلاقی فراگیر طراحی و تبیین شد.

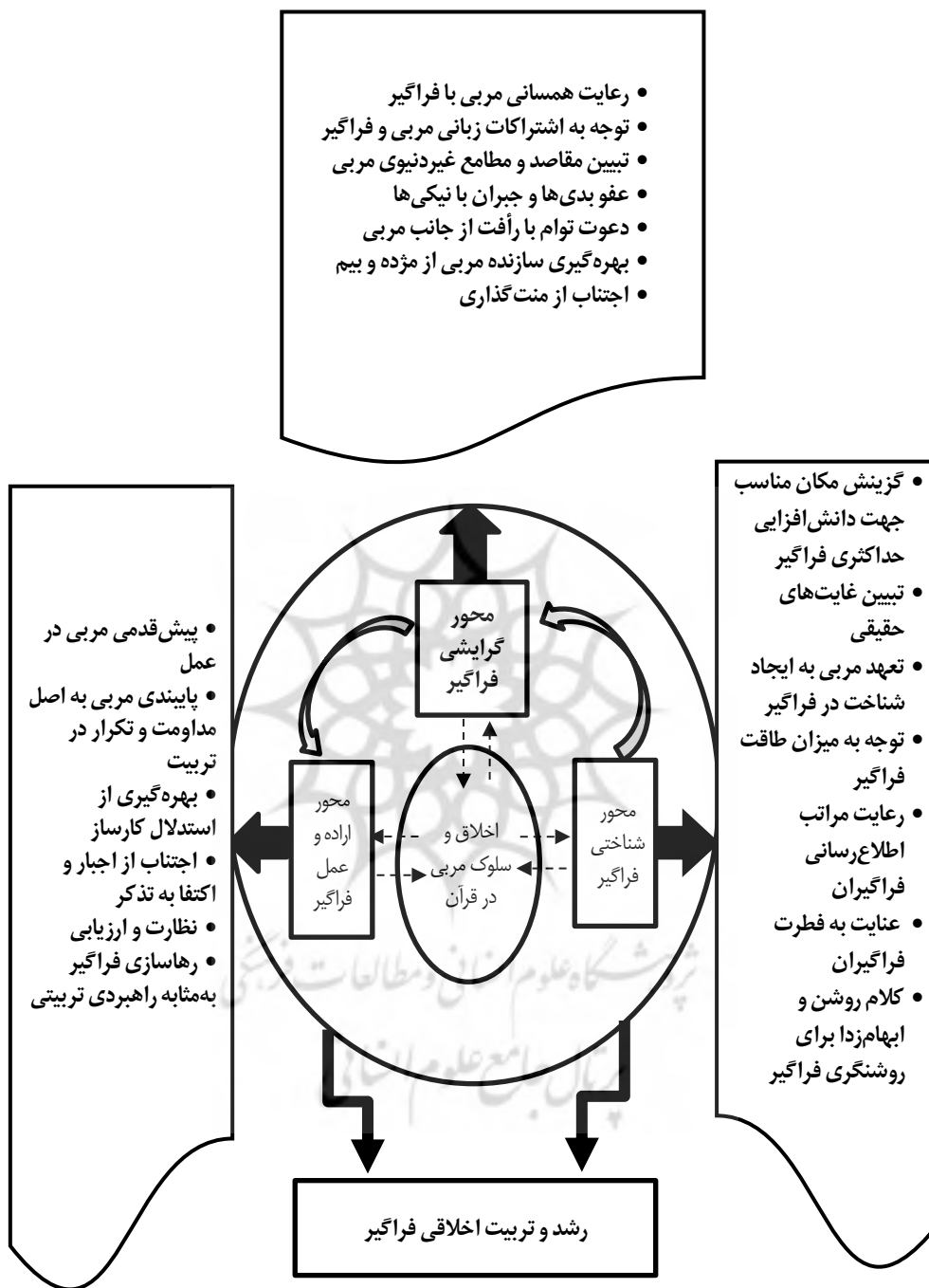


شبکه مضامین

نتیجه‌گیری

با عنایت به نقش بی‌بدیل مربی در ترویج و نهادینه کردن تربیت مطلوب در انسان، صاحب‌نظران تربیتی همواره به دنبال یافتن منبعی معتبر و اصیل برای الگو گرفتن اخلاق و سلوک مطلوب برای یک مربی بوده‌اند. در راستای این هدف ارزشمند، در این پژوهش بر «قرآن» به‌مثابه منبعی الهی، خدشه‌ناپذیر و الهام‌بخش در عرصه تربیت و هدایت انسان‌ها، برای واکاوی و صورت‌بندی الگوی اخلاق و منش مربی تأکید شده است.

مزیت پژوهش حاضر در این است که به‌صورت اختصاصی و روشمند به موقعیت‌های تربیتی ذکرشده در قرآن رجوع نموده و با التفات به رابطه دوسویه مربی و فراگیر، الگویی فرایند مدار برای رفتار تربیتی مربی ارائه کرده است. الگوی مذکور، با عنایت به نظریه اندیشمند معاصر جهان اسلام «علامه طباطبایی»، فرایند رشد اخلاقی فراگیر را در سه‌گام یعنی «شناخت»، «گرایش» و «اراده و عمل» به‌صورت مرحله‌به‌مرحله ترسیم کرده است. در مرحله اول این فرایند دوسویه یعنی مرحله شناختی، مربی با «گزینش مکان مناسب جهت دانش‌افزایی حداکثری فراگیر»، «تبیین غایت‌های حقیقی»، «تعهد مربی به ایجاد شناخت در فراگیر»، «توجه به میزان طاقت فراگیر»، «رعایت مراتب اطلاع‌رسانی فراگیر»، «عنایت به فطرت فراگیر» و «کلام روشن و ابهام‌زدا برای روشنگری فراگیر»، به شناخت بهتر فراگیران کمک می‌نماید. در مرحله دوم این فرایند یعنی مرحله گرایشی، مربی با «رعایت همسانی مربی با فراگیر»، «توجه به اشتراکات زبانی مربی و فراگیر»، «تبیین مقاصد و مطامع غیردنیوی مربی»، «عفو بدی‌های فراگیر و جبران با نیکی‌ها»، «دعوت توأم با رأفت از جانب مربی»، «بهره‌گیری سازنده مربی از مژده و بیم» و «اجتناب از منت‌گذاری»، میل و گرایش فراگیران را تحریک می‌کند. در مرحله آخر فرایند ذکرشده یعنی مرحله اراده و عمل، مربی با «پیش‌قدمی مربی در عمل»، «پایبندی مربی به اصل مداومت و تکرار در تربیت»، «بهره‌گیری از استدلال کارساز»، «اجتناب از اجبار و اکتفا به تذکر»، «نظارت و ارزیابی»، «رهاسازی فراگیر به‌مثابه راهبردی تربیتی»، زمینه تقویت اراده و عمل فراگیران را بیش‌ازپیش فراهم می‌نماید.



الگوی اخلاق و سلوک مربی در قرآن با نظر به مبادی فرایندمحور عمل اخلاقی فراگیر

منابع

* قرآن کریم

۱. احمدلو، مسلم و علی همت (۱۳۹۹)، «فرایند ایجاد انگیزش در تربیت اخلاقی از منظر قرآن کریم»، پایان نامه دکتری، جامعه المصطفی العالمیه.
۲. استادی، رضا (۱۳۸۳)، آشنایی با تفاسیر، تهران: نشر قدس.
۳. ایازی، محمدعلی (۱۳۸۱)، «اندیشه‌های اجتماعی در تفسیر المیزان»، بینات (مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام)، ش ۳۴، ص ۷۳-۸۵.
۴. پور عمران، محبوبه؛ محمود حقیقه‌جانب، سیده نسیمه فیروزه و اعظم قلی زاده (۱۳۹۵)، اخلاق مربی در تعلیم و تربیت اسلامی، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۵. جعفری، سید طالب حیدر و مجید طرقی (۱۳۹۸)، «وظایف مربی تربیت اسلامی از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد: جامعه المصطفی العالمیه.
۶. حسینی میر صفی، فاطمه (۱۳۸۵)، «تفسیر فی ظلال القرآن و مباحث علوم قرآن»، بینات، ش ۵۱، ص ۹۲-۱۲۲.
۷. حقی، احمد؛ مسعود صفایی مقدم؛ سید منصور مرعشی و علی محمد حسین زاده (۱۳۹۷)، «بررسی رابطه میان نظر و عمل در تربیت اخلاقی بر اساس نظریه اعتبارات علامه طباطبایی»، تربیت اسلامی، ش ۲۷، ص ۱۸۷-۲۰۹.
۸. خسروی، زهره و خسرو باقری (۱۳۸۷)، «راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ش ۸، ص ۸۱-۱۰۵.
۹. سبحانی، جعفر (۱۳۸۷)، مربی نمونه، قم: بوستان کتاب.
۱۰. شهریاری، روح‌الله و حسن نجفی (۱۳۹۸)، «صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان تربیت دینی: ارائه چارچوبی همسو با حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۴۵، ص ۱۹۵-۲۲۲.
۱۱. صحرایی اردکانی، کمال (۱۳۸۴)، «نقد و بررسی حدیث در تفسیر المیزان»، علوم حدیث، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۱۹۸-۲۲۲.
۱۲. طاهری، سید صدرالدین (۱۳۹۲)، «جامعیت تفسیر المیزان»، سراج منیر، ش ۱۲.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸)، تفسیر المیزان، ۲۰ ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۴. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۶۲)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران: صدرا.
۱۵. عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین»، اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۱۰، ص ۱۵۱-۱۹۸.
۱۶. عباسی، زهرا؛ رستم قشلاقی و محمدتقی اسماعیل پور (۱۳۹۶)، «ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مربیان از منظر قرآن و روایات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه مازندران.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. قطب، ابراهیم حسین (۱۹۶۶)، تفسیر فی ظلال، ج ۶، ترجمه: مصطفی خرم‌دل، تهران: انتشارات احسان.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا.
۲۰. میرزایی، خلیل (۱۳۹۵)، کیفی پژوهی پژوهش پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی، ج ۱ و ۲، تهران: فورژان.
۲۱. نقیب‌زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۶)، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: طهوری.
22. Campbell, E. (2000), The Ethics teacher. Philadelphia: open University. Press.
23. Murray, Harry. Gillese, Eileen. Lennon, Madeline. Mercer, Paul. Robinson, Marilyn. (1996), Ethical.